

# عکس رخ مهتاب

زندگی‌نامه‌ی داستانی شهید جواد رهبر دهقان

به قلم: علی دنیایی



سرشناسنامه: دنیایی، علی، ۱۳۴۹-  
عنوان و نام پدیدآور: عکس رخ مهتاب (زندگی‌نامه‌ی داستانی شهید جواد رهبر دهقان) / به قلم علی دنیایی؛  
ویراستار اکرم رحیمی.

مشخصات نشر: تهران: انتشارات دهم، ۱۳۹۹.

مشخصات ظاهری: ۳۵۲ ص: ۱۴/۵×۲۱/۵ س.م.

شابک: ۹۷۸-۶۲۲-۹۶۸۸۵-۹-۵ : ۹۷۸-۶۲۲-۹۶۸۸۵-۹-۵ ریال

وضعیت فهرست نویسی: فیا

عنوان دیگر: زندگی‌نامه‌ی داستانی شهید جواد رهبر دهقان

موضوع: داستان‌های فارسی -- قرن ۱۴

موضوع: Persian fiction -- 20th century

موضوع: جنگ ایران و عراق، ۱۳۵۹-۱۳۶۷ -- شهیدان -- داستان

موضوع: Iran-Iraq War, ۱۹۸۰-۱۹۸۸ -- Martyrs -- Fiction

شناسه افزوده: سپاه پاسداران انقلاب اسلامی (تهران). سپاه حضرت سیدالشهداء (علیه السلام). انتشارات دهم.

رده‌بندی کنگره: ...

رده‌بندی دیویی: ...

شماره کتابشناسی ملی: ...

عنوان کتاب: عکس رخ مهتاب (زندگی‌نامه‌ی داستانی شهید جواد رهبر دهقان)

نویسنده: علی دنیایی

ویراستار و صفحه‌آرا: اکرم رحیمی

شابک: ۹۷۸-۶۲۲-۹۶۸۸۵-۹-۵

ناشر: انتشارات دهم

نوبت چاپ: اول

تیراژ: ۱۰۰۰ نسخه

تاریخ انتشار: تابستان ۱۴۰۰

قیمت: ۴۵۰۰۰ ریال

کلیه حقوق مادی و معنوی این اثر متعلق به مرکز حفظ آثار و نشر ارزش‌های دفاع  
مقدس سپاه حضرت سیدالشهداء (علیه السلام) می‌باشد.

آدرس محل نشر: تهران، شهرری، خیابان امام حسین (علیه السلام)،  
ستاد فرماندهی سپاه حضرت سیدالشهداء (علیه السلام) استان تهران، معاونت دانش و پژوهش

تلفن مستقیم: ۳۵۲۸۰۳۱۲

## فهرست

|          |                                          |
|----------|------------------------------------------|
| ۹.....   | مقدمه.....                               |
| ۱۵.....  | فصل اول: صبح روز سوم.....                |
| ۲۷.....  | فصل دوم: دوران مدرسه.....                |
| ۳۵.....  | فصل سوم: دوران راهنمایی.....             |
| ۴۷.....  | فصل چهارم: فعالیتهای انقلابی.....        |
| ۵۴.....  | فصل پنجم: دارم، میرم، سطره.....          |
| ۶۶.....  | فصل ششم: شروع جنگ تحمیلی.....            |
| ۷۹.....  | فصل هفتم: سربلند.....                    |
| ۹۱.....  | فصل هشتم: نم نمک اشتیاق.....             |
| ۱۰۹..... | فصل نهم: شروع زندگی مشترک.....           |
| ۱۲۱..... | فصل دهم: مجروحیت در عملیات خیبر.....     |
| ۱۳۵..... | فصل یازدهم: دوا و شفا!.....              |
| ۱۴۳..... | فصل دوازدهم: کوچه‌ی سادات.....           |
| ۱۵۱..... | فصل سیزدهم: در خلوت شب.....              |
| ۱۵۹..... | فصل چهاردهم: در عملیات بدر چه گذشت... .. |
| ۱۷۱..... | فصل پانزدهم: مجروحیت شیمیایی.....        |
| ۱۸۱..... | فصل شانزدهم: محبوبیت.....                |

|                                                   |     |
|---------------------------------------------------|-----|
| فصل هفدهم: رابطه‌ای که ماندگار شد.....            | ۱۹۱ |
| فصل هجدهم: موج و پرتلاطم.....                     | ۲۰۱ |
| فصل نوزدهم: آقا بذار برووو!.....                  | ۲۱۳ |
| فصل بیستم: عملیات والفجر ۸ (جزیره ام‌الرصاص)..... | ۲۲۱ |
| فصل بیست و یکم: اخلاص برای خدا.....               | ۲۳۱ |
| فصل بیست و دوم: عبدالله تارزان.....               | ۲۳۹ |
| فصل بیست و سوم: مدیریت و انسجام.....              | ۲۵۵ |
| فصل بیست و چهارم: وداع آخر.....                   | ۲۷۳ |
| فصل بیست و پنجم: غرتمندی.....                     | ۲۸۵ |
| فصل بیست و ششم: سردار حماسی.....                  | ۲۹۵ |
| فصل بیست و هفتم: طلوعی دیگر.....                  | ۳۰۵ |
| فصل بیست و هشتم: شوق پرواز.....                   | ۳۱۱ |
| فصل بیست و نهم: تشییع پیکر شهید.....              | ۳۲۱ |
| فصل سی‌ام: خاطرات و وصیت‌نامه شهید.....           | ۳۲۹ |
| خاطره‌ی اول.....                                  | ۳۳۰ |
| خاطره‌ی دوم.....                                  | ۳۳۲ |
| وصیت‌نامه‌ی شهید.....                             | ۳۳۵ |
| منابع.....                                        | ۳۳۸ |

❁ هشت سال دفاع مقدس یکی از درخشان‌ترین عرصه‌های دفاع محسوب می‌شود؛ هنگامه‌ای که ملت ایران در اتحادی بی‌نظیر و یکپارچه به مصاف با دشمن متجاوز رفتند و برای حفظ و پاسداری از خاک وطن؛ سراسر عشق، ایثار و شجاعت شدند. جوانانی که با چشم باز، عاشقی کردند و پا در عرصه نهادند.

با همه‌ی این اوضاع و احوال، با کدام قلم و بیان می‌توان عزیزانی را که سنگرهای نور و تاریک جنگ را به محراب مسجد و معراج تبدیل کردند، ثنا کرد. گیریم که قلم‌فرسایان و هنرمندان بتوانند میدان‌های شجاعت و دلاوری آنان و قدرت و جسارت فوق‌العاده‌شان در عبور از پیچ‌وخم سیم‌های خاردار و کوه‌های سربه‌فلک کشیده در زیر آتش بی‌وقفه‌ی دشمن غدار و... را مجسم نمایند اما آن بُعد الهی - عرفانی و آن جلوه‌ی معنوی ربانی که جان‌ها را به‌سوی خود پرواز می‌داد را

با چه قلم و چه هنر و بیانی می‌توانند ترسیم کنند.

از آن روزها، سال‌ها هم گذشته باشد، من هنوز به یاد دارم که چگونه جوانان دست‌ازجان‌شسته، به دفاع از ارزش‌ها می‌پرداختند. کم نبودند جوانانی که با شور و شادی فراوان، عزمشان را جزم کرده و راهی دیاری می‌شدند که بوی خوش شهادتشان، بوی تند باروت را از بین برده بود.

در تمام سال‌های دفاع مقدس، قامت بلند و جسارت و دلآوری نیروهای توانمند ما، چونان صنوبران راست‌قامت، سبز و ایستا، در هجوم وحشیانه‌ی بادهای نابه‌هنگام، ایستاد و سرافرازی کرد. آن‌چنان که چشمان ناپاک دشمنان از برق صاعقه‌ی خشم ملت قهرمان ما، به خون نشست.

اگرچه طی این سال‌ها مردم ما آواره شدند، کودکان، زنان و مردان فراوانی جان خود را هدیه کردند و از نظر اقتصادی با بحران‌های فراوانی روبه‌رو شدند؛ اما اجازه ندادند بیگانه بر آنها حکومت کند. هنوز هم با گذر در کوچه پس کوچه‌های غرب و جنوب کشور، در و دیوار خانه‌ها بوی دل‌تنگی می‌دهد و مملو از خاطرات فراموش ناشدنی شهداست. خاطراتی که باید از قفس سینه‌ها برون آید و برای آیندگان به یادگار بماند.

بسیاری از آنان که حماسه‌های تاریخی آفریدند، گاهی به دلیل فروتنی و پرهیز از بازگو کردن آن حماسه‌ها، حکایت‌های ناگفته دارند، بنابراین جا دارد آنان که با تاریخ سر و کار دارند، رشادت‌های ناگفته‌ی آنان را در تاریخ این مرز و بوم ثبت کنند و داستان قهرمانی‌هایشان را سالیان متمادی، به‌سان اسطوره‌های دیرپا، سینه‌به‌سینه نقل نمایند تا فداکاری‌های شورانگیز یک ملت در دفاع از آرمان‌های میهنش، به دست فراموشی سپرده نشود.